



خبرهای مهدی فرجی درباره روند تولید سریال کندو

مهدی فرجی، تهیه‌کننده تلویزیون که به تازگی فصل پنجم سریال «نون خ» را به تولید رسانده، نکاتی درباره کار تازه‌اش اطلاع‌رسانی کرده و گفته است: «در حال حاضر سریال «کندو» به کارگردانی احمدرضا درویش را دنبال می‌کنیم و پیش می‌بریم. فیلمنامه این سریال نوشته شده و آماده است. این روزها توافقاتی برای تأمین منابع مالی سریال در حال انجام است.» تهیه‌کننده «کندو» درباره زمان تولید این سریال هم گفته است: «با پیشرفت این توافقات امیدواریم امسال این سریال به مرحله تولید برسد.» **«مهر**



«آنتونی هایپکینز» در نقش آهنگساز مشهور

آنتونی هایپکینز، قرار است در فیلم «پادشاه کاونت گاردن» نقش جورج فردریک هندل، آهنگساز سرشناس را بازی کند. داستان فیلم در دوره‌ای می‌گذرد که آهنگساز مشهور اپرا روی شاهکار کرال خود «مسیحا» کار می‌کرد. پیش فروش جهانی این پروژه آغاز شده و قرار است اواخر پاییز۲۰۲۵ اکران شود. اندرو لوپتاس که کارگردانی «پادشاه کاونت گاردن» را برعهده دارد، آن را بر مبنای فیلمنامه‌ای از تیم اسلوروی می‌سازد. جورج فردریک هندل برای اپراها، وراتورها و کنسرتوهای ارگ خود به شهرت رسید. وی مسوفونی «مسیحا» را به نفع نهادهای خیریه از جمله بیمارستان‌ها و یتیم‌خانه‌ها ساخت و نواخت. **«مهر**



فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، هنری و حتی اقتصادی‌اش دغدغه‌مند بود، خط قرمز داشت و با دقت و ظرافت سرعاشش رفت. ۹ بار بازنویسی فیلمنامه به همین خاطر است که لحظه‌ای اسیر لحظه‌های شوخی و کمدی نشویم در حالی که بستر فراهم بود خنده زیادی از مخاطب بگیریم اما سرعاشش نرفتمیم تا از این مؤلفه‌ها غافل نشویم.

در عین حال هم با جامعه روشنفکری شوخی دارید و هم با امام جمعه ...

من ۴ سریال کمدی ساختم‌ام که یکی از آنها به نام «آخرین مهلت» پربیننده‌ترین سریال کمدی در شبکه سهند است. مقصودم از آوردن این فکت این است که بگویم مانیفست ما خنده به هر قیمتی نیست. مانیفست ما خنده برای اندیشه و ارجاع به اتفاقی دیگر است. به قول شما ما با سینما، مسجد، امام جمعه، تشیع شهید و ... شوخی کردیم. شوخی با این موضوعات واقعاً سخت است. یک لحظه فکر کنید در فیلمنامه‌ای شوخی با تشیع شهدا ذکر شود؛ عنوانش هم خطرناک است اما چون قلب تپنده و باور قلبی این موضوع خنده به هر قیمتی نیست، برداشت نمی‌نماید. به عنوان مثال در خیلی از فیلم‌ها با بردارن کلمینه و سبک شوخی می‌کنند در برخی مواقع رویکرد این است که شأن و منزلت سپاه و کمیته در دهه ۶۰ حفظ شود و بعضی اوقات رویکرد این است که ضمن بیان آن رویداد در زیر متن نه تنها شأن را رعایت نکنیم، بلکه سعی کنیم به شعور و فهم اجتماعی کمیته یا سپاه یک نیش کوچولو بزنیم.

این بیرون می‌زند. بسیج و سپاه حتی کمیته‌های دهه ۶۰ شرافت و نجابت فوق العاده‌ای برخوردار بودند. اینها را گفتم تا بگویم شوخی با چنین موضوعاتی کار سختی نبود منتهی چون تفکر پشت فیلمنامه متعالی بوده هیچ جای خنده و شوخی بیرون نمی‌زند. شوخی ما با نماز جمعه یا امام جمعه با نیت پایین آوردن شأن و منزلتشان نیست، بلکه در جهت تعالی است؛ قصه صد اشاره به مردمی بودن امام جمعه است. ما واقعاً در دهه ۶۰ چنین شاخصه‌ای از امامان جمعه جمع‌ات

داشتیم؛ چه امام جمعه چه همه مسئولان، مردمی‌تر نبودند، در دل مردم بودند و با مردم بودند. مانیفست اصلی ما تعالی و رشد مؤلفه‌های دهه ۶۰ است. در هر قلمی؛ امام جمعه، نماز جمعه، اعزام نیرو، خانواده. امروز ما در فیلم‌ها یمان

پد ر کشی

د ا ر بم

خیا نت

داریم و ...

فیلم‌ها ی

شما خص

اجتماعی ما پراز چنین اتفاقاتی است. اصلاً یادتان هست آخرین بار در کدام فیلم دیدید کسی پدرش را کول کند. نه اینک کسی این کارها را نمی‌کند مقصودم این است که تعریف‌مان از شأن اجتماعی و تکریم خانواده دچار استحاله شده است. کرامت خانوادگی و جایگاه پدر و مادر در مکارم اخلاقی و اسلامی ما تحت‌الشعاع همین فیلم‌ها و رسانه‌ها قرار می‌گیرد. مثلاً یکی از شاخصه‌های فضای مجازی در رابطه پدر و پسر همین کنترل کولر است که همیشه پدر نق بزند و بچه‌ها بخندند اینها زیرپوستی در روابط اخلاقی و اجتماعی خانواده‌ها بنیانگذاری می‌شود و برای همین است که مثلاً دوره‌ای پا دراز کردن جلوی پدر جزو اعمال نکوهش شده بود اما الان در برابر هر اندیشه پدر تمام‌قد می‌ایستند. بحث این است، اینها دچار تحول شده و بخشی از تحول و استحاله این مکارم اخلاقی عرصه رسانه‌ای و فضای سینمایی ماست.

فارغ از بحث تکریم خانواده، چه نیازی شما را موجب می‌کند فضای سیاسی و اجتماعی دهه ۶۰ را برای مخاطب امروز سینما ترسیم کنید؟ چه نیازی احساس کردید؟

هر کسی کودور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش. رجعت به داشته‌ها و سرمایه‌های اجتماعی خودمان در دهه ۶۰ مقصودم سبک زندگی دهه ۶۰ نیست. سبک زندگی متناسب با زمانه متفاوت می‌شود اما اندیشه و تفکر و مکارم اخلاقی بحث دیگری است. همه اندیشه‌هایی که در دهه ۶۰ داشتیم در حوزه خانواده، نوع‌دوستی، حضور انقلابی و ... حقیقی است که شب برگعس را می‌پیماید. رونقی را که در دهه ۶۰ می‌دیدم الان نمی‌بینم. همین میزان حضور مردم در نماز جمعه دهه ۶۰ را ببینید. ما یک مسیر طولانی را دوچرخه به نماز جمعه می‌رفتیم و خیلی‌ها پیاده می‌آمدند. الان هم این طور است؟ نمی‌شود منکر فقدان مطالبی در مسیر زندگی انسان‌ها وجود داشته و این تبدیل

شد. به همین دلیل است که می‌گویم دهه نجیب و شریف و شیرین ۶۰. می‌گویم

در عین تمام خاطرات از محاصره اقتصادی تا کوبن و سفره کم‌جانی که داشتیم آن حالات، شیرینی و شادابی خانواده در همه وجود داشت و الان تبدیل شده است. من رجعت به اینهاست. نمی‌گویم رجعت به روحی و مذهبی و اعتقادات‌مان است. چه مسیری را طی کردیم و از کجا به کجا رسیدیم؟



سازمان سینمایی تک نفره

در دهه ۶۰ ما با دو جریان مواجه بودیم یکی جریان متحجری که نگاه بسته منبعث از سینمای فیلمفارسی در ذهن‌شان رسوب کرده بود و دیگری جریان روشنفکر متجددی که نماینده‌اش در فیلم «آپاراتچی» کارمند ارشاد است. هر کسی می‌خواست هنر مردمی‌اش را بروز دهد با این دو جریان مواجه بود. در چنین فضایی جلیل طائفی خودش یک سازمان سینمایی تک نفره بنیانگذاری کرد؛ از ایده تا اکران. جمعی را با خودش همراه می‌کرد، ایده و فیلمنامه را دیگری می‌نوشت و فیلمش را می‌ساخت. بعدها برخی از بازیگران فیلم‌هایش جزو بازیگران بنام تبریز شدند، رضا ناجی یکی از بازیگران اصلی «نوری در تاریکی» از فیلم‌های طائفی در دهه ۶۰ بود. تدوین را هم خود طائفی انجام می‌داد، فیلم را می‌آورد تهران و ز و خورده‌های فیلمش آسیب نینبند. برای همین هم به جلیل کاراته معروف بود. یکی از چیزهای عجیبی که در فیلم‌هایش دیدم اتاق عمل واقعی بود. کاملاً شکم طرف را شکافته بودند. با خودش که صحبت کردم گفت اینها همه واقعی است. با یک پزشک آشنا هماهنگ کردیم و برای گرفتن این صحنه دو بار به اتاق عمل رفتیم. اغلب فیلم‌هایش منبعث از اتفاقات روز است. «نوری در تاریکی» درباره شهید نوری جانشین دادستان تبریز است که تروور می‌شود. برخلاف شوخی‌های فیلم ما اما اصلاً چشم‌داشتی به کمک و حمایت نداشته، درباره هر موضوعی احساس وظیفه کرده فیلم ساخته است. اگر جلیل طائفی در دهه ۶۰ مثلاً با سواد دیپلم سراغ سینما می‌رفت یقیناً یکی از تهیه‌کنندگان بنام و ماندگار سینما می‌شد.



قربانعلی طاهر فر از تصویر دهه ۶۰ در «آپاراتچی» به «ایران» گفت

دهه شریفی که در دل کمدی‌ها قربانی می‌شود

جذاب است. خود من باور نمی‌کردم تارانتینو بخواهد فیلمی درباره سینما بسازد. این موضوع در سینمای ایران هم سابقه طولانی دارد از حاجی واشنگتن و ناصرالدین شاه آکتور سینما تا سلام سینما و هنرپیشه و میکس و دو فیلم با یک بلیت ... و فیلم ما بیشتر ادای دین به عاشقان سینماست. سینما هنر جامعی است که خیل عاشقان از مردم عادی و فرهیخته و خاص را همراه خود می‌کشاند. برخی اوقات این عشق آنقدر فوران می‌کند که برخی به هر قیمتی می‌خواهند وارد سینما شوند و همین تلاش، موفقیت‌های جلیل یکی از هزاران است. تفاوت دسته شخصیت اصلی آپاراتچی با بقیه عشق به سینماها این است که چون بدون هیچ از دل مردم جوشیده و جویبار هیچ تکیه‌گاه نهادهی و ارگانی و سازمانی اتفاق افتاده خیلی خالص و ناب است. همین مسیر پاک و خالص است که یک سینماگر در عین حال که می‌خواهد به عشقش به سینما هم برسد می‌خواهد پدر عاصی و نکرانش را هم راضی نگه دارد. در تمام مسیر فیلم سعی ما این بود که این نابی و خالصی را حفظ کنیم.

در حین ادای دین به سینما، اصرار به بازخوانی دهه ۶۰ و مفاهیم انقلابی و اجتماعی و مذهبی داریم. این ویژگی صرفاً از قصه جلیل نمی‌آید بلکه به نظر می‌رسد تماماً خواسته‌اید این مبانی از جمله حضور متفاوت اقشار اجتماعی را در قصه پررنگ کنید. درباره دلیل آن توضیح می‌دهید؟

هم‌حارهای جلیل طائفی این پتانسیل

را داشت و هم این اتفاق‌ها در زیست‌بوم

تمام افرادی مثل من است که دهه ۶۰

گفت‌وگو

نگس عاشوری

خبرنگار

خیلی‌ها دهه ۶۰ را از تاریخ‌سازترین دهه‌های فیلم و سینمای ایران می‌دانند. فارغ از تأثیر این دهه در جریان سینمای ایران، بازتاب این دهه در سینمای ایران هم به یک جریان و مؤلفه تکرار شونده در آثار سینمایی دود دهه اخیر تبدیل شده و اغلب فیلمسازان متولد این دهه بازگویی خاطرات‌شان از آن دوره و همین عشق به سینما را به فیلم‌هایشان آورده‌اند. بازنامه‌ی فضای آن دوره برای مخاطبان به خاطر حس نوستالژیک و سبک زندگی و شرایط اجتماعی آن دوران با استقبال خوب تماشاگران هم همراه بوده است. «آپاراتچی» قربانعلی طاهر فر، فیلمساز آذربایجان شرقی که توانست سیمرخ بلورین جایزه ویژه هیات داوران فیلم‌اولی چهل و دومین جشنواره فیلم فجر را از آن خود کند نیز به نوعی در دسته همین آثار قرار می‌گیرد؛ فیلمی درباره عشق به سینما و هنرهای پرورده‌ی خاسته از دل مردم در دهه ۶۰. این فیلم که داستان دلپستی‌های یک نقاش ساختمان عاشق سینما را روایت می‌کند با نگاهی به کتاب «آپاراتچی» خاطرات شفاهی جلیل طائفی ساخته شده است. کارگردان «آپاراتچی» در گفت‌وگو با «ایران» از این فیلم و تصویر فضای دهه ۶۰ در آن گفته که در ادامه می‌خوانید.

داستان «نوری در تاریکی» که در فیلم «آپاراتچی» قصه ساخت آن توسط جلیل طائفی را روایت می‌کند بر مبنای واقعیت و بر اساس زندگی شهید نوری است اما کدهایی در فیلم وجود دارد که شخصیت را به شهید لاجوردی ارجاع می‌دهد، اینها را شما به فیلم اضافه کردید؟

بله قصه شهید نوری واقعی بود و ترور شده و جلیل طائفی فیلم را با همین عنوان ساخته اما از منظر نگاه من خاطرات شهید نوری قابلیت دراماتیک نداشت و از سوی دیگر، شهید لاجوردی جزو چهره‌های ماندگار شهدای قوه قضائیه است و خاطرات او به واقع کمیاهی وجودی قوه قضائیه را شکل می‌دهد.

خاطره مشترک مریبان پرورشی

اواخر دهه ۶۹ که وارد سینمای جوان شدم معروف بود فردی به اسم جلیل کاراته فیلم می‌سازد. ما اینها را فقط شنیده بودیم. بعدها نادر ساعی بر اساس زندگی او فیلم کوتاهی ساخت به اسم «راش‌های اضافی». قاطبه مردم تبریز به واسطه همین فیلم، جلیلی که اسمش را شنیده بودیم شناختند و تازه فهمیدیم اسم اصلی‌اش جلیل طائفی است. سال‌ها بعد بچه‌های دفتر مطالعات جبهه انقلاب در تبریز در پژوهش‌های تاریخ شفاهی‌شان در بین خاطرات مریبان پرورشی به یک اسم مشترک برخوردند؛ جلیل طائفی. در آن دوره ما رنگ سینما داشتیم. مندلی‌ها را در راهروها می‌چیدیم و رنگ آخر فیلم می‌دیدیم. در میان اسامی فیلم‌ها و فیلمسازان از «عمر مختار» مصطفی عقاد و «نیوا» و «بلمی به سوی ساحل» و «توبه نصوح» و ... «نوری در تاریکی» جلیل طائفی هم خاطره مشترک خیلی از مریبان پرورشی تبریز بود. خروجی این پژوهش‌ها کتابی شد به اسم «مریبا گل محمدی» و با خواندن آن بچه‌های ما شاخک‌هایشان حساس‌تر شد که بروند ببینند جلیل طائفی که بوده. محصول نهایی این پژوهش مستقل، کتاب «آپاراتچی» شد که تاریخ شفاهی جلیل طائفی با تدوین دکتر روح‌الله رشیدی است. سابق تراب‌نژاد کتاب را اتفاقی می‌خرد و ایده اولیه برای نگارش فیلمنامه شکل می‌گیرد. از همان ابتدا مسعود ملکی مجری طرح اصرار داشت کسی از خود تبریز این فیلم را بسازد و این گونه من به گروه ملحق شدم. فیلمنامه ۸ بار بازنویسی شد و پشت دوربین‌های جلیل را با صحنه‌هایی از خاطرات دیگر ادغام کردیم. بخش‌های ابتدایی فیلم که عاشق سینما بود، خطوط دوربین خرید و سینما می‌رفته و ازدواج و خواستگاری‌اش منطبق بر زندگی خود اوست.

فرهنگی

فرهنگ



وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

گفت‌وگوی فرهنگی بهترین راه برای حل منازعات جهانی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، اواخر هفته‌ای که گذشت به منظور حضور و سخنرانی در ششمین مجمع جهانی گفت‌وگوی بین فرهنگی، به باکو پایتخت جمهوری آذربایجان رفت. محمدمهدی اسماعیلی در این سفر با حضور در سفارت ایران با سیدعباس موسوی سفر جمهوری اسلامی ایران در آذربایجان نیز دیدار و گفت‌وگو کرد.

لگدمالی حقیقت زیر پای تمدن غربی

در ادامه این سفر، اسماعیلی و هیات همراه با حضور در مرکز کنکره باکو در آیین پایانی ششمین مجمع جهانی گفت‌وگوی بین فرهنگی شرکت کردند. در این دیدار بحث و بررسی تحولات اخیر رابطه ایران و آذربایجان و اقدامات فرهنگی صورت گرفته و همچنین فضای فرهنگی پیش روی دو کشور از مهم‌ترین محورهای مورد گفت‌وگو بود. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه برگزاری این مجمع گفت: «باید به چند موضوع به صورت ویژه توجه شود؛ اول اینکه گفت‌وگوهای فرهنگی بهترین راه حل برای حل منازعات منطقه‌ای و جهانی است.»



سینما هنر جامعی است که خیل عاشقان از مردم عادی و فرهیخته و خاص را همراه خود می‌کشاند.

برخی اوقات آنقدر فوران می‌کند که برخی به هر قیمتی می‌خواهند وارد سینما شوند و همین تلاش، موفقیت‌های جلیل طائفی ایجاد می‌کند که دراماتیک ایجاد می‌کند که داستان جلیل یکی از هزاران است.

مفاحر بزرگ، راهی برای همگرایی
بنابر خبر دیگری، اسماعیلی در آخرین روز از سفر به آذربایجان از موزه تاریخ ادبیات شهر باکو بازدید کرد و گفت: «به مفاحر بزرگ به عنوان زمینه‌های همگرایی بین دو کشور نگاه می‌کنیم؛ اینها جزه میراث مشترک فرهنگی ما به‌شمار می‌روند، ما قرن‌ها کنار یکدیگر زیست کردیم، این ظرفیت‌ها باید باعث افزایش برادری در ما و همگرایی‌ها باشند نه اینکه موجب وگرای شود.»

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه هرکسی تلاش کند تا این بزرگان را دستمایه و اگرای می‌کند، در پاکستان نیز اشتباه راهبردی و خطای محاسباتی شده است، افزود: «به میراث مشترک فرهنگی با کشورهای همسایه به عنوان میراث مشترک تاریخی نگاه می‌کنیم و به آنها می‌بالیم. علاقه‌مند هستیم برای این مشاهیر فیلم‌های مشترک تولید کنیم؛ در ترکمنستان برای محتومقلی فرای همین کار را می‌کنیم، در پاکستان نیز برای اقبال لاهوری کاری را در دست اقدام داریم.» اسماعیلی با بیان اینکه تمام اشعار نظامی به زبان فارسی است و این شاعر میراث مشترک بین دو کشور به شمار می‌رود، گفت: «ان‌شاءالله ساخت مجموعه جدیدی را برای حکیم نظامی آغاز می‌کنیم؛ در همین راستا از همکارانم در وزارت فرهنگ جمهوری آذربایجان دعوت کردیم تا ما را در ساخت فیلم سینمایی در این باره کمک کنند.»

بنابر خبر دیگری، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پی درگذشت حاج عیسی قلی پور معروف به عیسی بخشی، از بزرگان موسیقی خراسان شمالی پیامی منتشر کرده و فقدان وی را تسلیت گفت.